اعتماد در چوب هنوز کلید اصلی بازسازی صنوف بازدست‌دار در دهمین گفت‌وگو با مرمت‌گران است

گفت‌وگو: آناهیتا رستمی‌فر

هنوز بیش از ۶۰ درصد کارگاه‌های مرمت بافت تاریخی بدون تابلو و بدون ثبت‌نام رسمی فعالیت می‌کنند؛ مشکلی که به گفته اهالی، نه از بی‌توجهی، بلکه از ترس از دیده‌شدن ریشه می‌گیرد

آهنگر ۱۰ ساله‌ای که در کوچه‌های پشت بازار مسگرها کار می‌کند، می‌گوید بزرگ‌ترین مشکل او نه کمبود مشتری است و نه گرانی مواد، بلکه این است که هیچ‌کس نمی‌داند او وجود دارد. او تابلو ندارد، آگهی در روزنامه نمی‌دهد و حتی کارت ویزیت هم چاپ نکرده است. تمام مشتریانش را از راه دهان‌به‌دهان پیدا کرده‌اند و همین تنها راهی است که به کارش ادامه می‌دهد. این روایت تنها یک مورد استثنا نیست. در دهمین گفت‌وگوی اهالی صنوف بازدست‌دار محله‌های قدیمی شهر، که روز پنجشنبه در تالار آینه‌کاری برگزار شد، ده‌ها کارگاه کوچک از مسگری و حکاکی گرفته تا تذهیب و صحافی حاضر شدند تا درباره مشکلی حرف بزنند که کمتر کسی جرئت می‌کند علنی مطرح کند: ترس از دیده‌شدن.

بر اساس برآورد مشترک اتحادیه اصناف بازدست‌دار و شورای حفاظت از بافت تاریخی، در محله‌های قدیمی شهر دست‌کم ۶۰ درصد کارگاه‌های فعال هیچ ثبت رسمی ندارند. بسیاری از آن‌ها برق را از همسایه وصل کرده‌اند، آب را از انشعاب مشترک می‌گیرند و برای گرفتن مجوز کار، مانند هر شهروند دیگری، باید ماه‌ها در صف بنشینند. نتیجه این است که وقتی یک کارگاه کوچک آسیب می‌بیند یا می‌خواهد گسترش پیدا کند، نه بیمه‌ای در کار است و نه راهی برای دریافت کمک. بسیاری از آن‌ها حتی از ترس بازرسی‌های ناگهانی، پنجره‌های مغازه را هم باز نمی‌گذارند تا کسی از بیرون کار آن‌ها را نبیند.

مرتضی احتشامی، که نزدیک سی‌وهفت سال است قاب عکس و آینه‌های قدیمی را در همان کارگاه کوچک پشت بازار مسگرها درست می‌کند، می‌گوید مشکل او فقط نداشتن مجوز نیست، بلکه این است که هیچ‌کس نمی‌داند چه کسی باید به او کمک کند. او می‌گوید وقتی برای خرید یک ورق برنج به مغازه‌ای می‌رود که ۲۰ سال است با آن کار می‌کند، فروشنده از او کارت شناسایی می‌خواهد، چون دستگاه پوز بدون کارت کار نمی‌کند. او می‌پرسد: «اگر من خودم را معرفی کنم، مالیات بیشتری از من می‌گیرند یا فقط می‌خواهند جریمه‌ام کنند؟ هیچ‌کس جواب روشنی نمی‌دهد.»

در مقابل، برخی از صاحبان کارگاه‌های موفق‌تر نیز از ثبت رسمی خودداری کرده‌اند. بسیاری از آن‌ها می‌گویند که با ثبت رسمی، ناگهان با انبوهی از بازرسی‌ها، عوارض و الزام‌هایی روبه‌رو می‌شوند که نه با کار آن‌ها سازگار است و نه با ساعت کاری‌شان. یکی از حاضران در نشست گفت که برای گرفتن یک مجوز ساده، مجبور شده است سه بار از یک اداره به اداره دیگر برود و در هر بار، یک نفر چیزی تازه از او بخواهد. او گفت: «در نهایت فهمیدم که اگر رشوه ندهم، پرونده‌ام هیچ‌وقت تمام نمی‌شود.»

در مقابل، نمایندگان شورای حفاظت از بافت تاریخی تأکید کردند که بسیاری از این مشکل‌ها ناشی از بی‌اطلاعی است و نه بدخواهی. به گفته آن‌ها، بخشی از مشکل به این برمی‌گردد که بسیاری از صنوف قدیمی هیچ‌وقت به‌طور رسمی معرفی نشده‌اند و نهادهای مختلف هم نمی‌دانند چه کسی مسئول کدام بخش است. به همین دلیل، شورا اعلام کرده است که تا پایان آذر ماه یک «میز خدمت ویژه صنوف بازدست‌دار» در محل تالار آینه‌کاری راه‌اندازی می‌شود تا کارگاه‌ها بدون نیاز به رفت‌وآمد میان ادارات، مدارک خود را ثبت کنند.

با این حال، بسیاری از حاضران می‌گویند تا زمانی که ترس از دیده‌شدن وجود دارد، هیچ میزی به تنهایی کافی نخواهد بود. آهنگر ۱۰ ساله‌ای که در کوچه‌های پشت بازار مسگرها کار می‌کند، می‌گوید بزرگ‌ترین مشکل او نه کمبود مشتری است و نه گرانی مواد، بلکه این است که هیچ‌کس نمی‌داند او وجود دارد. او تابلو ندارد، آگهی در روزنامه نمی‌دهد و حتی کارت ویزیت هم چاپ نکرده است. تمام مشتریانش را از راه دهان‌به‌دهان پیدا کرده‌اند و همین تنها راهی است که به کارش ادامه می‌دهد. این روایت تنها یک مورد استثنا نیست. در دهمین گفت‌وگوی اهالی صنوف بازدست‌دار محله‌های قدیمی شهر، که روز پنجشنبه در تالار آینه‌کاری برگزار شد، ده‌ها کارگاه کوچک از مسگری و حکاکی گرفته تا تذهیب و صحافی حاضر شدند تا درباره مشکلی حرف بزنند که کمتر کسی جرئت می‌کند علنی مطرح کند: ترس از دیده‌شدن.

بر اساس برآورد مشترک اتحادیه اصناف بازدست‌دار و شورای حفاظت از بافت تاریخی، در محله‌های قدیمی شهر دست‌کم ۶۰ درصد کارگاه‌های فعال هیچ ثبت رسمی ندارند. بسیاری از آن‌ها برق را از همسایه وصل کرده‌اند، آب را از انشعاب مشترک می‌گیرند و برای گرفتن مجوز کار، مانند هر شهروند دیگری، باید ماه‌ها در صف بنشینند. نتیجه این است که وقتی یک کارگاه کوچک آسیب می‌بیند یا می‌خواهد گسترش پیدا کند، نه بیمه‌ای در کار است و نه راهی برای دریافت کمک. بسیاری از آن‌ها حتی از ترس بازرسی‌های ناگهانی، پنجره‌های مغازه را هم باز نمی‌گذارند تا کسی از بیرون کار آن‌ها را نبیند.

مرتضی احتشامی، که نزدیک سی‌وهفت سال است قاب عکس و آینه‌های قدیمی را در همان کارگاه کوچک پشت بازار مسگرها درست می‌کند، می‌گوید مشکل او فقط نداشتن مجوز نیست، بلکه این است که هیچ‌کس نمی‌داند چه کسی باید به او کمک کند. او می‌گوید وقتی برای خرید یک ورق برنج به مغازه‌ای می‌رود که ۲۰ سال است با آن کار می‌کند، فروشنده از او کارت شناسایی می‌خواهد، چون دستگاه پوز بدون کارت کار نمی‌کند. او می‌پرسد: «اگر من خودم را معرفی کنم، مالیات بیشتری از من می‌گیرند یا فقط می‌خواهند جریمه‌ام کنند؟ هیچ‌کس جواب روشنی نمی‌دهد.»

در مقابل، برخی از صاحبان کارگاه‌های موفق‌تر نیز از ثبت رسمی خودداری کرده‌اند. بسیاری از آن‌ها می‌گویند که با ثبت رسمی، ناگهان با انبوهی از بازرسی‌ها، عوارض و الزام‌هایی روبه‌رو می‌شوند که نه با کار آن‌ها سازگار است و نه با ساعت کاری‌شان. یکی از حاضران در نشست گفت که برای گرفتن یک مجوز ساده، مجبور شده است سه بار از یک اداره به اداره دیگر برود و در هر بار، یک نفر چیزی تازه از او بخواهد. او گفت: «در نهایت فهمیدم که اگر رشوه ندهم، پرونده‌ام هیچ‌وقت تمام نمی‌شود.»

در مقابل، نمایندگان شورای حفاظت از بافت تاریخی تأکید کردند که بسیاری از این مشکل‌ها ناشی از بی‌اطلاعی است و نه بدخواهی. به گفته آن‌ها، بخشی از مشکل به این برمی‌گردد که بسیاری از صنوف قدیمی هیچ‌وقت به‌طور رسمی معرفی نشده‌اند و نهادهای مختلف هم نمی‌دانند چه کسی مسئول کدام بخش است. به همین دلیل، شورا اعلام کرده است که تا پایان آذر ماه یک «میز خدمت ویژه صنوف بازدست‌دار» در محل تالار آینه‌کاری راه‌اندازی می‌شود تا کارگاه‌ها بدون نیاز به رفت‌وآمد میان ادارات، مدارک خود را ثبت کنند.

با این حال، بسیاری از حاضران می‌گویند تا زمانی که ترس از دیده‌شدن وجود دارد، هیچ میزی به تنهایی کافی نخواهد بود. آهنگر ۱۰ ساله‌ای که در کوچه‌های پشت بازار مسگرها کار می‌کند، می‌گوید بزرگ‌ترین مشکل او نه کمبود مشتری است و نه گرانی مواد، بلکه این است که هیچ‌کس نمی‌داند او وجود دارد. او تابلو ندارد، آگهی در روزنامه نمی‌دهد و حتی کارت ویزیت هم چاپ نکرده است. تمام مشتریانش را از راه دهان‌به‌دهان پیدا کرده‌اند و همین تنها راهی است که به کارش ادامه می‌دهد. این روایت تنها یک مورد استثنا نیست. در دهمین گفت‌وگوی اهالی صنوف بازدست‌دار محله‌های قدیمی شهر، که روز پنجشنبه در تالار آینه‌کاری برگزار شد، ده‌ها کارگاه کوچک از مسگری و حکاکی گرفته تا تذهیب و صحافی حاضر شدند تا درباره مشکلی حرف بزنند که کمتر کسی جرئت می‌کند علنی مطرح کند: ترس از دیده‌شدن.

بر اساس برآورد مشترک اتحادیه اصناف بازدست‌دار و شورای حفاظت از بافت تاریخی، در محله‌های قدیمی شهر دست‌کم ۶۰ درصد کارگاه‌های فعال هیچ ثبت رسمی ندارند. بسیاری از آن‌ها برق را از همسایه وصل کرده‌اند، آب را از انشعاب مشترک می‌گیرند و برای گرفتن مجوز کار، مانند هر شهروند دیگری، باید ماه‌ها در صف بنشینند. نتیجه این است که وقتی یک کارگاه کوچک آسیب می‌بیند یا می‌خواهد گسترش پیدا کند، نه بیمه‌ای در کار است و نه راهی برای دریافت کمک. بسیاری از آن‌ها حتی از ترس بازرسی‌های ناگهانی، پنجره‌های مغازه را هم باز نمی‌گذارند تا کسی از بیرون کار آن‌ها را نبیند.

مرتضی احتشامی، که نزدیک سی‌وهفت سال است قاب عکس و آینه‌های قدیمی را در همان کارگاه کوچک پشت بازار مسگرها درست می‌کند، می‌گوید مشکل او فقط نداشتن مجوز نیست، بلکه این است که هیچ‌کس نمی‌دا